

## آیا مصحف های آسمانی حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) واقعیت دارند؟

آیا مصحف های آسمانی حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) واقعیت دارند؟ آیا غیر از قرآن مصحف های دیگری هم نازل شده است؟



آیا مصحف های آسمانی حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) واقعیت دارند؟

آیا مصحف های آسمانی حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) واقعیت دارند؟ آیا غیر از قرآن مصحف های دیگری هم نازل شده است؟

مقدمه:

مصحف در لغت از صُحُف (1) و به معنای کتاب آمده و جمع مکسر آن صُحُف و صحائف است. (2) به نام‌های فراهم آورده شده و چیزی که در او صحیفه‌ها و رساله‌ها جمع شود و همچنین به مجموعه میان دو جلد نیز مصحف می‌گویند. (3)

به هر چیز باز شده و گسترده، مثل صحیفه‌الوجه - روی باز و گشاد - یا کاغذ یا هر چیزی که بر آن نوشته می‌شود، مُصْحَف گفته می‌شود. (4)

بنابراین، به کتاب جلد شده مصحف گفته‌اند؛ حال چه قرآن باشد یا غیر قرآن. در قرآن کریم نیز از کتاب‌های آسمانی با عنوان «صُحُف» یاد شده است. (5)

در زمان صحابه، «مصحف» به همان معنای لغوی به کار می‌رفته (6)؛ یعنی به معنای اعم از قرآن. البته از برخی صحابه نام می‌برند که برای خود، قرآن را در صحیفه‌هایی جمع کرده بودند.

که به نام خودشان شهرت داشت؛ مانند مصحف عایشه، مصحف حفصه، مصحف ابی بن کعب و... همه این مصحف‌ها پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به این نام مشهور شد. در لسان اهل بیت علیهم السلام نیز مُصْحَف در همان معنای لغوی به کار رفته است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خواندن قرآن از روی مصحف، موجب بهره‌مندی از چشم خویش و تخفیف در عذاب والدین می‌شود؛ اگرچه کافر باشند». (7)

چنان‌که اشاره شد، به برگه‌های نوشته شده میان دو جلد مصحف می‌گویند: «الجامع للمکتوبه بین الدفتین». (8) بنابراین مصحف چند برگ دارد؛ نه یک برگ.

ولی گاه می‌تواند کتاب، بیش از یک برگ نداشته باشد. همچنین مصحف باید میان دو جلد باشد که برگ‌ها را در بر بگیرد.

در نتیجه شامل هر کتابی می‌شود و به قرآن اختصاص ندارد؛ هرچند معنای مشهور مصحف، قرآن است. گفتنی است واژه مصحف در قرآن نیامده و از نام‌های قرآن نیز شمرده نشده است.

جلال الدین سیوطی (9) و ابوالمعالی الصالح، از محدثان اسلامی، 55 نام برای قرآن بر شمرده‌اند که میان آنها کلمه مصحف دیده نمی‌شود.

دکتر امتیاز احمد، در کتاب «دلایل التوثیق المبکر للسنة و الحدیث»، می‌نویسد: «مصحف فقط به معنای قرآن نیست، بلکه به معنای کتاب نیز است». وی برای اثبات این گفته اش شواهدی را نیز ذکر می‌کند. (10)

همچنین بکر بن عبدالله، در کتاب «معرفة النسخ و الصحف الحدیثیه» می‌نویسد: «مصحف از اصطلاحاتی است که شامل هر نوع مجموعه‌ای می‌شود که دربردارنده سخنانی است». (11)

تیین ضرورت و اهمیت موضوع

در منابع شیعه، از مصاحفی چون مصحف فاطمه علیها السلام، مصحف امام علی علیه السلام، جفر و جامعه سخن به میان آمده است که ائمه علیهم السلام بسیار بر این آثار تأکید کرده‌اند.

به علت نام گذاری قرآن کریم و دیگر کتاب های آسمانی به «صحیفه» و «مصحف»، مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام شبها و انتقاداتی را در فضای مجازی و برخی کتب و آثارشان درباره شیعه مطرح کرده اند،

که گویا شیعیان با اعتقاد به این گونه مصاحف، قرآن را قبول ندارند و به قرآن های دیگری معتقدند یا اینکه خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نمی پذیرند. تا جایی که یکی از نویسندگان متعصب وهابی ادعا می کند.

شیعیان چند کتاب آسمانی غیر قرآن مجید دارند که پس از قرآن بر ائمه شان نازل شده و این در واقع، ادعای نبوت برای ائمه است! (12)

تبیین موضوع در اندیشه اسلامی  
از مسائلی که دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام از شناخت آن عاجزند و پذیرش آن برای آنها سخت و دشوار است، آثار و صحیفه های موجود در تراث شیعیان است؛

مانند صحیفه فاطمه زهرا علیها السلام، مصحف امام علی علیه السلام، «جفر» و «جامعه». هر یک از این صحیفه ها، به تبیین و بررسی نیاز دارد تا مقصود از آنها و ارتباطشان با قرآن کریم مشخص شود.  
مصحف فاطمه زهراء علیها السلام  
حقیقت مصحف فاطمه علیها السلام، همچون قبر مطهرش، رازی پوشیده است. با این حال سعی می شود که در این نوشته، در حد توان و با توجه به منابع موجود، درباره آن بحث شود؛

بحث هایی مانند چیستی این مصحف، زمان به وجود آمدنش، مطالب آن، تفاوت هایش با قرآن کریم و اینکه اکنون کجاست و در اختیار کیست؟

از نام های فاطمه زهرا علیها السلام محدثه است. امام صادق علیه السلام در بیان سبب این نام گذاری می فرماید:

انما سمیت فاطمة محدثة لان الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما تنادي مريم بنت عمران. (13)  
فاطمه علیها السلام محدثه نامیده شد برای اینکه فرشتگان، پیوسته از آسمان فرود می آمدند و به فاطمه علیها السلام خبر می دادند؛ چنان که به مریم، دختر عمران خبر می دادند.

نمونه هایی از سخن گفتن فرشتگان با فاطمه علیها السلام وجود دارد که فرشتگان خطاب به ایشان، آیات 42 و 43 سوره آل عمران را تلاوت می کردند. (14)

فاطمه علیها السلام به فرشتگان خبر می داد و آنان نیز به او خبر می دادند. (15) هنگام بیماری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفت وگویی فاطمه علیها السلام با فرشته الهی و اجازه گرفتن فرشته از محضر مبارک ایشان، ماجرای دیگری از سخنان فاطمه زهرا علیها السلام با فرشتگان است. (16)

در متون اهل سنت نیز روایاتی هست که «محدث» به همین معنا را تأیید می کند؛ تنها تفاوت در مصداق آن است که شیعه، علی علیه السلام و فرزندان گرامش را که امامان بعد از او هستند، «مُحَدَّث» می دانند و از نگاه اهل سنت، عمر بن خطاب «محدث» است.

بخاری در صحیحش در باب مناقب عمر بن خطاب از ابی هریره و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است که آن حضرت فرمود:

قطعاً میان بنی اسرائیل که پیش از شما زندگی می کردند، مردانی بودند که با آنها سخن گفته می شد؛ بدون آنکه پیامبر باشند. پس اگر میان امت کسی از آنان وجود داشته باشد، او عمر بن خطاب است. (17)

مسلم در صحیحش در باب فضایل عمر از عایشه و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده است:  
«در امت های پیش از شما افرادی مُحَدَّث بوده اند و اگر میان امت کسی از آنان باشد، قطعاً او عمر بن خطاب است.» (18)

نووی در شرح صحیح مسلم می گوید: علما درباره معنای «مُحَدَّثون» اختلاف کرده اند؛ ابن وهب گفته است: «مُحَدَّثون کسانی اند که به آنها الهام شده باشد» و گفته شده آنان کسانی اند که وقتی درباره چیزی فکر می کنند، نظرشان صائب است؛

گویا آنها ابتدا خیردار می شوند، آن گاه فکر می کنند. همچنین گفته شده است: «فرشتگان با آنها سخن می گویند». در روایتی نیز آمده است: «با آنها سخن گفته شده است.

حافظ محب الدین طبری گفته است: معنای «محدثون» با آنکه خدا دانایتر است، کسانی اند که حقیقت به آنها الهام شده باشد و ممکن است این کلمه، به معنای ظاهری اش گرفته شود که عبارت است از کسانی که فرشتگان به آنها حدیث می گویند،

اما نه از راه وحی؛ بلکه به طریقی که به آن اسم حدیث اطلاق می شود و این، خود، فضیلت بزرگی است. (19)

قرطبی در تفسیرش آورده که مسلمة گفته است: محدثان همپای نبوت اند؛ زیرا آنان از امور غیبی عالی خبر می دهند و به حکمت باطنی سخن می گویند و گفتارشان با واقع مطابقت دارد و در گفتارشان، از خطا و دروغ معصوم اند. (20)

بنا به گزارش کتب تراجم، فرشتگان با افرادی سخن گفته اند؛ مانند عمران بن حصین خزاعی (م 52 ه. ق) که درباره اش نوشته اند: «[او] فرشتگان حفاظت کننده را می دید و با آنها سخن می گفت». (21)

فرشتگان با کسی جز انبیای الهی گفت وگو نداشتند. ولی چهار بانوی بزرگ بودند که به رغم پیامبر نبودنشان، فرشتگان با آنان سخن می گفتند:

«مریم، مادر حضرت عیسی علیه السلام؛ همسر عمران، مادر حضرت موسی علیه السلام؛ ساره، مادر حضرت اسحاق علیه السلام؛ فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله». (22)

حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، 75 یا 95 روز در این جهان زندگی کرد.

در این مدت بسیار کوتاه که دوره صبر و استقامت، حمایت از حریم ولایت و در عین حال، حزن و اندوه زهرای مرضیه بود، جبرئیل امین بر او فرود می آمد.

و با گزارش هایی که از منزلت پدر بزرگوارش نزد خدا و همچنین آینده تاریخ اسلام و تشیع الهام می کرد، کتاب ارزشمندی به نام «مصحف فاطمه» برای امامان معصوم علیهم السلام به یادگار ماند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به محدثانی که درباره مصحف فاطمه علیها السلام پرسیدند، فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، 75 روز حیات داشت و بر اثر رحلت پدرش اندوه فراوان بر او وارد شد.

جبرئیل پیوسته بر او فرود می آمد و ناگواری ها و اندوه جدایی پدر را به خوبی ها جلوه می داد و به جانش آرامش می بخشید. برای او از پدر و جایگاه بلندش نزد پروردگار خبر می داد.

و همچنین از حوادث آینده که پس از فاطمه علیها السلام درباره فرزندانش واقع خواهد شد. علی علیه السلام تمام آن گزارش ها و اخبار را می نوشت که همین مصحف فاطمه علیها السلام را شکل داد. (23)

بنابراین مصحف فاطمه علیها السلام در فاصله زمانی پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا شهادت صدیقه طاهره علیها السلام پدید آمده و دربردارنده سخنانی است.

که جبرئیل امین علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام الهام می کرده و امام علی علیه السلام با دست مبارکش آن را می نوشته است.

گرچه پیدایش و اتمام مصحف فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفت، برخی روایات، زمینه های پیدایش آن را در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله می داند. (24)

چنین مصحفی در چندین حدیث، با اسناد مختلف از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

از طرفی اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله املا کرد و علی علیه السلام با دست مبارکش نوشت، این نظریه را اثبات می کند

که مصحف فاطمه علیها السلام در زمان پدرش به وجود آمد.

برخی قائل اند که منظور از «رسول الله» در این احادیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست، بلکه همان فرستاده خدا، فرشته وحی است که اخبار و گزارش ها را املا می کرد و علی علیه السلام

آنها را می نوشت. (25) شاهد بر تأیید این مطلب، حدیث ابوبصیر است که از امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آن، کلمه رسول نیست:

«شئ هو شیء، املاه الله علیها و اوحی الیها» (26)؛ «همانا [مصحف فاطمه علیها السلام] چیزی است که خداوند آن را بر فاطمه علیها السلام املا، و به سوی او وحی کرد». روشن است که املائی خدا به واسطه فرشته وحی است.

بنابراین مفهوم این احادیث نیز شبیه آن روایاتی می شود که در آنها زمان پیدایش مصحف فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است.

البته صحیفه هایی از مصحف فاطمه علیها السلام را پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش به فاطمه علیها السلام ارزانی کرد که بعدها کامل شد و به نام مصحف فاطمه علیها السلام به دست امامان معصوم علیهم السلام رسید؛

زیرا بخشی از آن مصحف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در اختیار جابر بن عبدالله انصاری قرار گرفت که هم اکنون، همین صحیفه در جوامع حدیثی شیعی در دسترس علاقه مندان است. (27)

مصحف فاطمه علیها السلام به عنوان اسرار رسالت و امامت، فقط نزد ائمه معصوم علیهم السلام به یادگار ماند و بین حجت های خدا یکی پس از دیگری دست به دست گشت که در اختیار داشتن آن را از نشانه های امامت نیز دانسته اند. (28) روایات بسیاری دلالت دارد بر اینکه «جامعه»، «جفر» و

مصحف فاطمه علیها السلام «زود ائمه علیهم السلام است. آنها در فرصت مناسب به آن صحیفه ها مراجعه می کردند و مشکلات و نیازهای فکری و علمی انسان ها را برطرف می ساختند.

تمام این آثار گنجینه های گران بهایی از معارف و دانش ها بود که تصور آنها برای ذهن مادی بشر ممکن نیست. (29)

برخی نویسندگان وهابی و مغرضان ناآگاه شبهاتی ایجاد کرده اند که شیعیان، قرآن دیگری به نام مصحف فاطمه دارند! این ادعاهای نابخردانه و ناروا ممکن است از چند چیز نشأت گرفته باشد:

1. رجوع نکردن به متون و منابع حدیثی و جوامع روایی شیعی و ناآگاهی از مقصود تشیع که قائل است زهرای مرضیه علیها السلام دارای مصحف بوده است.

2. عناد و لجاجت با اندیشه های اسلام ناب و باورهای اعتقادی و معارف آن، که به واسطه امامان معصوم علیهم السلام به انسان ها رسیده است.

3. ذهنیت و تصویری که پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در اذهان مسلمانان، حتی اصحاب و یاران ایشان از کلمه مصحف بود؛

زیرا مصحف، بیشتر به نوشته هایی از آیات قرآن اطلاق می شد و در آن زمان، مصحف های فراوانی وجود داشت. شخصیتی که دارای مصحف بود، به همو نسبت می دادند؛

مثل مصحف علی علیه السلام. البته هم اکنون نیز از قرآن مجید به «مصحف شریف» تعبیر می کنند. گرچه چنین استعمالی در آن زمان شهرت فراوان داشت، این طور نبود که مصحف، فقط به نوشته های آیات قرآن گفته شود. بلکه نظرشان معنای لغوی مصحف بوده است؛

زیرا به مجموعه صحیفه های نوشته شده بین دو جلد که به صورت کتاب درآمد باشد، صحف یا مصحف می گفتند. (30)

بنابراین، به مجموعه صحیفه ها و نوشته هایی که در موضوعات و مطالبی غیر از آیات قرآن نوشته شده است، مصحف می گویند

و مصحف فاطمه علیها السلام نیز به همین اعتبار است. ابوبصیر می گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم و پرسیدم: «مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟» فرمود: «مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست، ولی به خدا قسم حتی یک حرف از قرآن شما هم در آن نیست.» (31)

ممکن است کسی این شبهه را کند که در احادیث بسیاری آمده است: قرآن، همه احکام و حوادث و گزارش های حال و آینده را در بر دارد، پس مصحف فاطمه علیها السلام در پی چیست و این حدیث چگونه معنا می شود؟

در پاسخ گفته اند: آری، قرآن چنین است، ولی ممکن است منظور از مصحف، معانی و تأویلاتی باشد که ما از قرآن نمی فهمیم،

نه معنای ظاهری که از الفاظ آن درک می کنیم. پس مقصود از قرآن شما همان الفاظ ظاهری قرآن است که در مصحف فاطمه علیها السلام وجود ندارد. (32)

ابی حمزه به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: مصحف فاطمه علیها السلام ما فیه شیء من کتاب الله وانما هو شیء القی علیها بعد موت ابیها. (33)

در مصحف فاطمه علیها السلام چیزی از کتاب خدا نیست و مصحف فقط چیزی است که بر فاطمه علیها السلام، پس از رحلت پدرش، الهام شده.

روایات بسیاری هستند که دلالت می کنند مصحف فاطمه علیها السلام قرآن نیست و موضوعات و مطالب آن غیر از آیات قرآن است. (34)

مصحف فاطمه علیها السلام، این خیر کثیر که خداوند متعال آن را الهام کرده، همچون میراثی ارزشمند نزد امامان معصوم علیهم السلام دست به دست گشته و هم اکنون در اختیار حجت خدا مهدی فاطمه علیها السلام است.

روایات بسیاری از ائمه علیهم السلام نقل شده که در آنها لفظ «عندنا» یا «عندی» هست. این تعبیر می فهماند که مصحف فاطمه علیها السلام، به مثابه نشانه ای از امامت، فقط در اختیار آنان بوده است.

آنان نیز در مواردی علیه کج اندیشان و منحرفان بدان احتجاج می کردند و به این وسیله حقانیت خویش را ثابت می کردند و ادعای دروغین آنها را آشکار می ساختند.

ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: «ما مات ابوجعفر علیه السلام حتی قبض مصحف فاطمه علیها السلام.» (35) ابوجعفر (امام محمد باقر علیه السلام) از دنیا رفت تا آنکه مصحف فاطمه علیها السلام را تحویل داد.

علی بن ابی حمزه می گوید: عبد صالح - امام موسی کاظم علیه السلام - فرمود: «عندی مصحف فاطمه علیها السلام لیس فیه شیء من القرآن» (36)؛ «مصحف فاطمه علیها السلام نزد من است که البته چیزی از قرآن در آن نیست.»

ابوبصیر می گوید: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: «جانم فدایت! پس از رحلت جانشوز فاطمه علیها السلام آن مصحف به چه کسی رسید؟»

فرمود: «فاطمه علیها السلام شخصاً آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل داد و پس از شهادت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام منتقل شد.

و پس از او به امام حسین علیه السلام، و آن گاه در خاندان حسین علیه السلام دست به دست گشت تا اینکه به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحویل داده خواهد شد.» (37)

علامه آقابزرگ تهرانی در «الذریعه»، از مصحف فاطمه علیها السلام نام برده، می نویسد: «مصحف فاطمه از امانات امامت است که نزد امام و مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود است.» (38)

امام خمینی رحمه الله فرمودند: «صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرا مرضیه است، از

منظور حضرت امام از کلمه صحیفه، همان مصحف فاطمه علیها السلام است که به معنای کتاب است؛ چنان که به مجموعه دعاهاى امام سجاد علیه السلام صحیفه سجادیه، و به مجموعه سخنرانی ها، بیانیه ها و اعلامیه های حضرت امام راحل رحمه الله، صحیفه نور می گویند.

مصحف امام علی علیه السلام

مصحف دیگری که در منابع شیعه و اهل سنت از او یاد شده، مصحف امام علی علیه السلام است. مقصود از این مصحف، قرآنی بود.

که امام علی علیه السلام، پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد آورد. بدون تردید، طبق مدارک و منابع فریقین، اصل وجود چنین مصحفی ثابت است. بلکه حجم منابع اهل سنت (40) و اخبار آنها در این زمینه بیش از منابع شیعه (41) است.

شیخ مفید قدس سرّه در معرفی مصحف امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین گفته است:

امیرمؤمنان علیه السلام قرآن نازل شده را از آغاز تا پایان و براساس آنچه می بایست تألیف شود، گرد آورد؛

به این صورت که آیات مکی را بر آیات مدنی و آیات منسوخ را بر آیات ناسخ مقدم داشت و هر آیه ای را در جای اصلی اش گذاشت.

از این رو امام صادق علیه السلام فرموده است: «سوگند به خداوند! اگر قرآن، چنان که نازل شده، قرائت شود، نام ما را در آن خواهید یافت؛ چنان که نام کسانی پیش از ما در آن برده شده است...». (42)

وجود این مصحف در تاریخ، محل تردید و انکار نبوده است و بسیاری از دانشمندان و قرآن پژوهان به این امر تصریح کرده اند :

که علی علیه السلام نخستین بار پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را جمع آوری کرد. در این باره ابن ابی الحدید، شارح معتزلی نهج البلاغه می نویسد:

«همگان اتفاق نظر دارند که علی علیه السلام قرآن را در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به

تنهایی حفظ کرده است و او نخستین فردی بود که آن را گرد آورد». (43)

در برخی منابع اهل سنت آمده است که چون علی علیه السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با بداقبالی مردم روبه رو شد، سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نهد تا اینکه قرآن را جمع آوری کند.

بنابراین سه روز در خانه نشست تا اینکه قرآن را گرد آورد و این، نخستین مصحفی بود که قرآن را از سینه خود در آن گرد آورده بود. (44)

در برخی دیگر از منابع بیان شده که علی علیه السلام این اقدام را به اشاره و وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده است. (45)

به گفته محمدجواد بلاغی، مؤلف «تفسیر آلاء الرحمان»، این اقدام علی علیه السلام نزد شیعه معلوم و قطعی است. (46)

در اینکه علی علیه السلام ظرف چه مدتی قرآن را جمع آوری کرد، دو قول وجود دارد؛ به گفته ابن ندیم در «الفهرست»،

این کار طی سه روز صورت گرفت و به روایت ابن شهر آشوب در «المناقب» از ابن عباس، در شش ماه انجام شده است.

اگر قول نخست را بپذیریم، این احتمال می رود که علی علیه السلام ظرف این مدت کوتاه، دست نوشته هایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد او به ودیعت سپرده،

بر اساس نظم درست الهی اش تدوین و تألیف کرده است؛ وگرنه کتابت همه قرآن به روش عادی در این مدت کوتاه امکان پذیر نیست.

بیشترین ابهام، درباره چپستی مصحف علی علیه السلام و اوصاف و ویژگی های آن است. در این باره برخی دانشمندان اهل سنت و امامیه

گفته هایی را مطرح کرده اند که نمی توان به همه آنها اطمینان کرد. محمد بن سیرین می گوید: «علی علیه السلام در این مصحف، ناسخ و منسوخ را نوشته است». وی می گوید:

«به من رسیده که او این مصحف را بر اساس تنزیل نوشته است و اگر بدان دست یابم، در آن علم فراوانی یافت شود». (47) او همچنین به نقل از مکرمه می گوید:

در شروع خلافت ابوبکر، علی بن ابی طالب علیه السلام در خانه خود نشست و قرآن را گرد آورد. از عکرمه پرسیدم:

«آیا غیر او هم کسی قرآن را به ترتیب نزول گرد آورده است؟» پاسخ داد: «اگر جنّ و انس برای این کار گرد هم آیند، نخواهند توانست چنین تألیفی را انجام دهند». (48)

ابن حجر عسقلانی گوید: «گفته شده که علی علیه السلام قرآن را در پی مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، طبق ترتیب نزول، گرد آورده است». (49)

جلال الدین سیوطی نیز در بحث از اختلاف ترتیب سوره ها در مصاحف سلف می نویسد: «علی علیه السلام مصحف خود را بر حسب ترتیب نزول تدوین کرده است». (50)

از گفته های شیخ مفید رحمه الله فهمیده می شود که در مصحف علی علیه السلام تأویل و تفسیر درست و دقیق آیات الهی درج بوده است. (51) وی می گوید:

«علی علیه السلام در این مصحف، مکی را بر مدنی و ناسخ را بر منسوخ تقدیم کرده و هر چیزی از آن را در جای خود نهاده است». (52)

در برخی منابع امامیه از امام علی علیه السلام روایت شده که این کتاب، مشتمل بر تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ بوده،.

هیچ حرف الف و لامی از آن نیفتاده و در آن، اسامی اهل حق و باطل نیز درج بوده؛ از همین روست که چون به گروه حاکم عرضه می شود، آن را مغایر با مصالح خود یافته، نمی پذیرند. (53)

ویژگی های مصحف علی علیه السلام  
برخی قرآن پژوهان معاصر، در مجموع برای مصحف علی علیه السلام ویژگی های زیر را برشمرده اند:

1- این مصحف بر اساس ترتیب نزول آیات تدوین شده است.

2- آیات ناسخ بر منسوخ تقدیم یافته است.

3- اسباب نزول آیات در آن ذکر شده است.

4- تأویل و تفسیر دقیق آیات، به صورت توضیحاتی در حاشیه آن ذکر شده است.

5- آیات محکم و متشابه در آن معلوم گشته است.

6- قرائت آن در کمال دقت مطابق با قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و هیچ حرفی بر آن افزوده یا از آن کاسته نشده است.

7- اسامی اهل حق و باطل و فضایح افراد مسئله دار مهاجر و انصار در آن درج بوده است.

8- این مصحف به املائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام بوده است. (54)

آنچه در این باره اطمینان بخش است، روایات صحیحی است که از ائمه علیهم السلام نقل شده؛ مانند روایت کلینی از امام محمدباقر علیه السلام که حضرت می فرماید:

«ما ادعى أحد من الناس أنه جمع القرآن كما أنزل إلا كذاب وما جمعه وحفظه كما أنزل إلا علي بن ابيطالب والائمة بعده».(55)

درباره عبارت «کما أنزل» در این روایت، چند احتمال می رود؛ نخست اینکه مقصود از آن، ترتیب نزول آیات قرآن است و «کما أنزل» یعنی آن گونه که به ترتیب نازل شده.

دوم اینکه مقصود، قرائت دقیق و حرف به حرف قرآن کریم است؛ آن گونه که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خود بر مردم خوانده و به درستی معلوم شده که در قرائت های صحابه و پس از آن، تفاوت های جزئی در حدّ حروف و کلمات مشابه پدید آمده است.

سوم آنکه مقصود از این عبارت، همراهی مناسبت های نزول و تفسیر و تأویل درست آیات قرآن، بدون کمترین تحریف در معانی است. سرانجام اینکه نمی توان به وضوح درباره هر یک از این احتمالات اظهار نظر کرد.

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام آمده است: «ما نزلت علی رسول الله آیه من القرآن الا أفرأنيها وأملأها علی فکتبها بخطی وعلمنی تأویلها وتفسیرها وناسخها ومنسوخها...».(56)

این روایت، دلالت بر آن دارد که در تمام دفعات نزول وحی، پیامبر صلی الله علیه و آله آیات را بر علی علیه السلام املا می کرده و او به دقت می نوشته است و همه دانش تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ را نیز به او آموخته و احتمال می رود علی علیه السلام این علوم قرآنی را کنار نصّ آیات نوشته باشد.

به نظر محققان اهل سنت، مصحف علی علیه السلام در تاریخ، سرنوشت نامعلومی یافته است و کسی نتوانسته بدان دست یابد. ابن سیرین گوید: «من در صد یافتن آن برآمدم و در این باره به مدینه نامه نگاشتم، ولی نتوانستم آن را بیابم».(57)

در روایت یعقوبی آمده است چون علی علیه السلام از گردآوردن قرآن فراغت یافت، آن را بر شتری نهاد و نزد گروه حاکم آورد.(58)

در روایت صدوق نیز آمده است چون علی علیه السلام مصحف خود را به آنان عرضه کرد، به او گفتند: «ما را حاجتی بدان نیست؛ زیرا خود مانند آن را داریم». آن گاه او روی برگرداند، درحالی که این آیه را تلاوت می کرد:

«آن را پشت سر خویش افکندند و به بهای اندکی معاوضه کردند و بد معامله ای نمودند».(59) در روایت دیگری آمده است که علی علیه السلام فرمود: «پس از این، هرگز آن را نخواهید دید».(60)

سرانجام بر اساس روایاتی چند از ائمه معصومین علیهم السلام، این مصحف به عنوان امانت امامت، اکنون نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هنگام ظهور حضرتش آشکار خواهد شد.(61)

نتیجه:

در پایان بحث از مصحف علی علیه السلام چند نکته را می توان در مقام نتیجه گیری بیان کرد:

نکته نخست: اصل حدوث این مصحف امری ثابت و انکارناپذیر بوده و این، نخستین و بهترین جمع آوری قرآن بوده که امام علی علیه السلام آن را انجام داده است.

نکته دوم: آنچه درباره چیستی و ویژگی های این مصحف گفته شده، بیشتر در حدّ گمانه زنی بوده و ناشی از حس کنجکاوی پژوهشگرانی است که در پی کشف حقیقت آن برآمده اند.

البته باید اعتراف کرد که ماهیت این مصحف تا حد زیادی رازآلود و ابهام آمیز است. به نظر می رسد یکی از بهترین سخنان درباره آن، همان گفته ابن سیرین باشد که در آن علم فراوانی است.(62) بدون آنکه بتوان از جزئیات آن آگاه شد.

نکته سوم: هیچ دلیلی نمی توان یافت زیادات در این مصحف، جزو الفاظ و آیات قرآن باشد؛ بلکه همه آنها معارف و علوم است که برای فهم درست آیات به کار آید.

و شاید بتوان گفت: آنها لایه های درونی معانی قرآن بوده که درک و فهم آن، صرفاً به امامان معصوم علیهم السلام ارزانی شده است.



نکنه چهارم: بر ما روشن و معلوم است قرآن موجود، کتاب رستگاری و نجات انسان هاست و تمسک و عمل به دستورهای آن، بر همگان فرض است.

وظیفه هر مسلمان این است که دم به دم بر ایمانش به قرآن و انس با آن بیفزاید؛ چنان که مولای متقیان علی علیه السلام در جای جای کتاب نهج البلاغه از عظمت و شگفتی قرآن سخن می گوید و ما را بدان می خواند:  
انّ القرآن ظاهره أُنِيقٌ وباطنه عمیقٌ لاتغنی عجائبه ولاتنقضی غرائبهُ ولا تكشف الظلمات إلا به.(63)

ظاهر قرآن زیباست، باطن آن ژرف و ناپیداست، عجایب آن سپری نگردد، غرائب آن به پایان نرسد و تاریکی ها جز بدان زدوده نشود.

- وتعلّموا القرآن فاتّه أحسن الحدیث وتفقهوا فیهِ فاتّه ربیع القلوب واستشفوا بنوره فاتّه شفاء الصدور وأحسنوا تلاوته فاتّه أنفع القصص.(64)

قرآن را بیاموزید که نیکوترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که برای دل ها بهترین بهار است و به روشنایی آن بهبودی خواهید که شفای سینه های بیمار است و آن را نیکو تلاوت کنید که سودمندترین بیان و تذکار است.

- وأعلّموا أنّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَعْشُ وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ.(65)  
بدانید که این قرآن پندگویی است که فریب نهد و راهنمایی است که گمراه نکند و سخنگویی است که دروغ نگوید.

بی گمان قرآن مورد نظر حضرت، همین قرآن موجود میان مسلمانان است که به ادله گوناگون، هرگز کلمه ای بر آن افزوده یا از آن کاسته نشده

است. بنابراین محتوای مصحف امام علی علیه السلام قرآن بوده، البته با ویژگی های خاصش که بیان شد.

ولی محتوای مصحف فاطمه علیها السلام دریافت های معنوی و غیبی او بوده که به منظور تسلاهی خاطر و تحمل رنج گران فغان پدر به او الهام شده است. ازاین رو فاطمه علیها السلام دریافت های خویش را باز می گفته و امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را می نوشته است.

پی نوشت:

1.لسان العرب، ابن منظور، ج 9، ص 186.

2.العین، فراهیدی، ج 4، ص 1384.

3.المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص 476.

4.المفردات، ص 476.

5.اعلی: 19.

6.دانشنامه قرآن، بهاءالدین خرمشاهی، ج 2، ص 1634؛ تاریخ قرآن کریم، سید محمد باقر حجتی، صص 234، 385، 419 و 429.

7.الکافی، کلینی، ج 2، ص 613.

8.صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ابونصر جوهری، ج 4، ص 1383؛ تاج العروس، زبیدی، ج 6، ص 161.

9.الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، صص 51 و 52.

10.دلائل التوثیق المبکر للسنة و الحدیث، امتیاز احمد، ترجمه دکتر عبدالمعطی امین، صص 268 و 269.

11.معرفة النسخ و الصحف الحدیثیه، ابوزید، صص 28-31.

12.اصول مذهب الشیعة الامامیه، ناصر بن عبدالله قفاری، ج 2، ص 586.

13.عوالم العلوم و المعارف والاحوال، بحرانی، ص 36.

14.همان.

15.همان.

16.مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116.

17.صحیح البخاری، ج 5، ص 12.

18.صحیح مسلم، ج 4، ص 1864.

19.الریاض النضرة فی مناقب العشرة، محب الدین طبری، ج 1، ص 199.

20.الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج 12، ص 75.

21.المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 534.

22.مناقب ابن شهر آشوب ج 3، ص 115.

23. الكافی، ج 1، صص 241 و 458؛ بصائر الدرجات، ابوجعفر محمد بن حسن صفار، ص 173؛ مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، عزیزالله عطاردی، ص 281؛ بحارالانوار، مجلسی، ج 22، ص 545 و ج 43، ص 79.
24. بصائرالدرجات، صص 176 و 181؛ بحارالانوار، ج 26، صص 41، 46 و 48؛ ج 47، ص 271.
25. بحارالانوار، ج 26، ص 42.
26. همان، ص 39.
37. الكافی، ج 1، ص 527؛ الاختصاص، شیخ مفید، ص 210؛ مسند فاطمة الزهراء، ص 286.
28. بحارالانوار، ج 25، ص 117.
29. الكافی، ج 1، ص 239؛ بصائرالدرجات، ص 171؛ بحارالانوار، ج 26، ص 38.
30. لسان العرب، ج 9، ص 186، واژه صحف؛ مفردات راغب، ص 275، ذیل واژه «صحف».
31. الكافی، ج 1، ص 239؛ بصائرالدرجات، ص 172؛ بحارالانوار، ج 26، ص 39.
32. بحارالانوار، ج 26، ص 40.
33. بصائرالدرجات، ص 179؛ مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، ص 292؛ بحارالانوار، ج 26، ص 48.
34. بصائرالدرجات، صص 174 و 180؛ بحارالانوار، ج 26، ص 46.
35. بصائرالدرجات، ص 178؛ بحارالانوار، ج 26، ص 47.
36. بصائرالدرجات، ص 174؛ بحارالانوار، ج 26، ص 45.
37. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، ص 292.
38. الذریعه، آقابزرگ تهرانی، ج 21، رقم 4248.
39. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی رحمه الله، ص 3.
40. طبقات الکبری، محمد بن سعد، ج 2، ص 328؛ فضائل القرآن، ابن ضریس، ص 36؛ کتاب المصاحف، ابن ابی داود، ص 61؛ الفهرست، ابن ندیم، صص 31 و 32 (که از احمد بن جعفر بن منادی معروف به ابن منادی خبر می دهد)؛ حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء، ابی نعیم الاصفهانی، ج 1، ص 67؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر، ص 974 (که از دو طریق نقل کرده است)؛ شواهد التنزیل، حسکانی، ج 1، صص 36-38 (که با چند سند گوناگون گزارش این مصحف را آورده است).
41. ر. ک: کتاب سلیم بن قیس هلالی، صص 581، 582 و 660-665؛ الكافی، ج 2، ص 633؛ الاعتقادات، صدوق، ص 81.
42. مسائل السرویه، شیخ مفید، ص 133.
43. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 27.
44. الفهرست، ابن ندیم، صص 47 و 48.
45. ر. ک: مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 319.
46. تفسیر آلاء الرحمان، محمدجواد بلاغی، ج 1، ص 51.
47. طبقات الکبری، ج 2، ص 338؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر هیتمی، ص 126؛ تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 299؛ الاستیعاب در هامش الاصابه، ج 2، ص 253؛ شواهد التنزیل، حسکانی، ج 1، ص 38؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 58.
48. الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، صص 57 و 58.
49. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، عسقلانی، ج 9، صص 34 و 42.
50. الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 72؛ تاریخ خلفاء، جلال الدین سیوطی، ص 185.
51. اوائل المقالات، شیخ مفید، ص 55.
52. المسائل السّرویه، ص 79.
53. الاحتجاج، طبرسی، ج 1، ص 383؛ بحارالانوار، ج 90، ص 126.
54. حقایق هامة حول القرآن الکریم، سیدجعفر عاملی، صص 160 و 161؛ ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، ج 1، ص 292.
55. بصائرالدرجات، ص 218؛ «هیچ آیه ای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود نیامد، مگر آنکه آن را بر من خواند و املا کرد و من به خط خود می نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ آن را به من تعلیم داد».
56. الطبقات الکبری، ج 2، ص 338؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 58.
57. تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 135.
59. الاعتقادات، ص 86؛ ر. ک: کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 571.
60. أما والله ما ترونه بعد یومکم هذا أبداً؛ الكافی، ج 2، ص 633.
61. ر. ک: الكافی، ج 2، ص 633؛ بصائرالدرجات، ص 213.
62. طبقات الکبری، ج 2، ص 338؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 38؛ الاستیعاب در هامش الاصابه، ج 2، ص 253؛ صواعق المحرقة، ص 126. نظیر این سخن از ابن شهاب زهری هم نقل شده است؛ ر. ک: فواتح الرحموت فی شرح مسلم الثبوت در هامش المستصفی، محبّ الدین عبدالشکور، ج 2، ص 12.
63. نهج البلاغه، خطبه 18.
64. همان، خطبه 110.

65. همان، خطبه 176

منابع:

موسوعه رد شبهات 2 قرآن، جمعی از نویسندگان؛ تهیه و تدوین پژوهشکده حج و زیارت. تهران: نشر مشعر، 1395.

راسخون